

فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و دوم، شماره ۶۹، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۱۳۰-۱۰۷

امکان‌سنجی ایجاد موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای گروه بریکس

رضا سعیدی

کارشناس ارشد اقتصاد (نویسنده مسئول)

richard.sa.uk@gmail.com

خلیل سعیدی

استادیار علوم اقتصادی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

saeidi.khalil@yahoo.com

علی دهقانی

استادیار علوم اقتصادی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

dralidehghani@gmail.com

گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورهای در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با چنین کشورهایی ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. در این پژوهش تلاش شده است با محاسبه شاخص‌های اندازه‌گیری مزیت نسبی، پتانسیل تجاری و تجارت مکملی در صادرات و واردات که در سطح بین‌الملل مطرح می‌باشند، فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای گروه بریکس مشخص و برای اخذ تصمیمات لازم ارائه شود. دوره بررسی مربوط به سال‌های (۲۰۱۰-۲۰۰۰) و اطلاعات با استفاده از آماره منتشر شده از بانک جهانی و بانک اطلاعات تجاری بانک جهانی Wits استخراج می‌گردد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با استفاده از شاخص‌های درایسدل برای تجارت مکملی روش پیشنهادی آنکتاد برای محاسبه شاخص پتانسیل تجاری (POT) و شاخص مزیت نسبی (RCA) می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: F53, O24, P45

واژه‌های کلیدی: پتانسیل تجاری، مزیت نسبی، اکمال تجاری.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۷

۱. مقدمه

امروزه جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده و ضمن بین‌المللی نمودن بازار جهانی محیطی کاملاً رقابتی ایجاد نموده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد مجال بقا خواهند داشت. یکی از ویژگی‌های جهانی شدن همگرایی اقتصادی، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای می‌باشد. با توجه به روند کنونی اقتصاد که به سمت یکپارچگی و جهانی شدن پیش می‌رود همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش مهمی در حضور گسترده‌تر کشورها در صحنه‌های بین‌المللی ایفا نماید. برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. به‌علاوه کشورها تلاش می‌کنند از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست یابند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند. در اقتصادهای برنامه‌ریزی‌شده اندازه منطقه به درجه رشد کارایی کل اقتصاد آن بستگی دارد. بر حسب این تعریف معیار تقسیم‌بندی مناطق درجه کارایی اقتصادی است. عوامل مذکور سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران قرار گیرد. گام بعدی پس از همگرایی منطقه‌ای شکستن دیوار مرزها و تشکیل بلوک‌های تجاری با کشورهای هدف است که زمینه‌ساز توسعه روابط تجاری و همگامی با فرایند جهانی شدن می‌باشد و باز شدن اقتصاد کشورها نیز از مزایای آن در مراحل بعد خواهد بود. در چنین شرایطی بلوک‌های تجاری از طریق حذف موانع تعرفه‌ای و سایر موانع گمرکی موجود در منطقه و نیز دسترسی واحدهای تولید به بازارهای وسیع‌تر امکان‌پذیر می‌گردد و موانع انتقال سرمایه و تکنولوژی در محدوده منطقه برداشته می‌شود و در مجموع، افق‌های گسترده‌تری در برابر واحدهای تولیدی و شرکت‌ها گشوده می‌شود (غلامی، ۱۳۸۵).

اهمیت تحقیق از آنجا نشأت می‌گیرد که در واقع بیش از نیمی از تجارت جهانی در قالب بلوک‌های تجاری انجام می‌شود. به‌علاوه، با افزایش روزافزون تعداد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی سهم تجارت به شکل بلوک‌های تجاری و در قالب این موافقتنامه‌ها در جهان روند رو به رشدی را در پیش گرفته است. ساختار موافقتنامه‌های مذکور متفاوت است و می‌توان آنها در دو گروه دسته‌بندی نمود. گروه اول موافقتنامه‌هایی هستند که به‌طور فزاینده بین کشورهای غیرهمجوار تشکیل می‌شوند و گروه دوم موافقتنامه‌هایی هستند که به‌صورت سنتی بین شرکای طبیعی تجاری که از لحاظ جغرافیایی همسایه

هستند منعقد می‌گردد. در واقع، اغلب کشورها نخستین تجربه خود در انعقاد موافقتنامه تجارت منطقه‌ای را با یک یا چند کشور هم‌جوار خود پیدا می‌کنند. به‌طور کلی، ترتیبات همگرایی در ادبیات تجارت بین‌الملل با توجه به درجات همگرایی به دو طبقه همگرایی عمیق و همگرایی کم‌عمق تقسیم می‌شود. همگرایی عمیق شامل اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی و اتحادیه پولی و همگرایی کم‌عمق نیز عبارتند از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و مناطق آزاد تجاری. ایران با کشورهای نسبتاً هم‌جوار خود در دو بلوک اقتصادی همسایه خود سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO)، گروه D8 و سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC) هم‌گروه است. کشورهای عضو بلوک‌های مذکور از لحاظ اقتصادی و فرهنگی تقریباً با ایران در یک سطح قرار دارند و به‌عنوان شرکای طبیعی تجاری آن محسوب می‌شوند، اما کشورهای مورد مطالعه (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که توانستند به توسعه یافتگی نزدیک شده و به‌عنوان اقتصادهای نوظهور مطرح شوند و در صورت انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی بین ایران و کشورهای فوق در گروه اول از لحاظ ساختار موافقتنامه دسته‌بندی می‌شوند. از آنجایی که ایران به‌دنبال عضویت در سازمان جهانی تجارت است می‌بایست زمینه‌های لازم برای دستیابی به این هدف را تحقق بخشیده و با کاهش موانع تجاری به‌ویژه تعرفه (چراکه بزرگترین مانع تجاری در کشورهای در حال توسعه به‌دلیل نیاز به درآمد حاصل از آن و بسته بودن اقتصاد موانع تعرفه‌ای است) و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه روابط تجاری با کشورهای هدف و تشکیل بلوک تجاری مراحل توسعه یافتگی را هرچه سریع‌تر طی نماید و از آنجایی که کشورهای عضو گروه بریکس به‌عنوان قطب‌های اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه مطرح شده‌اند می‌توانند الگویی مناسب برای ایران بوده و حضور در این گروه ایران را به اهداف اقتصاد جهانی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نزدیک نماید.

ایران به لحاظ جغرافیایی در منطقه آسیای جنوب غربی قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس است. ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را در به‌دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت، صنعت پتروشیمی، گاز طبیعی و خودروسازی برای خود اقتصاد جهانی به‌دست آورده است و خطوط و مواصلات بین‌المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم می‌باشد، بنابراین به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قدرت‌های اقتصادی قرار گرفته است و با توجه به این شرایط حضور فعال در مجامع و سازمان‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و جهانی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به‌علاوه، به‌منظور عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت کاهش تعرفه‌ها می‌بایست مطابق زمانبندی با سرعت بیشتری صورت پذیرد و عضویت ایران در پیمان‌های

منطقه‌ای جدید می‌تواند برای دستیابی به اهداف توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی مفید باشد، چراکه در چارچوب چنین تشکلهایی موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگتر فراهم می‌شود (رحمانی، عسگری و عابدین، ۱۳۸۵).

ایده شکل‌گیری گروهی به نام بریک در سال ۲۰۰۱ توسط مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس (شرکت خدمات مالی و بانکداری آمریکایی و چندملیتی)^۱ به‌منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آینده مطرح گردید. گروه بریک شامل کشورهای برزیل، روسیه، چین و هند بود که پس از آن در سال ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی خواستار پیوستن به گروه مذکور شده که وزرای خارجه کشورهای بریک پس از نشست موافقت خود را با این عضویت اعلام نمودند. کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی نظیر روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان متمرکز گردیدند، همچنین این کشورها در خصوص برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش مؤثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند.

کشورهای عضو گروه بریکس از لحاظ اقتصادی دارای ساختار نسبتاً مشابه می‌باشند و جزء وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شوند و به پیشتازان اقتصادی بین‌کشورهای در حال توسعه تبدیل شده‌اند (بعجز کشور روسیه که کشوری توسعه‌یافته محسوب می‌شود) و به‌واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فراگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌باشند. همچنین کشورهای عضو گروه بریکس به‌ویژه چین و هند جزء شرکای مهم تجاری ایران محسوب می‌شوند و اکمال تجاری بالایی در تجارت ایران با کشورهای مذکور وجود دارد، بنابراین تعامل با چنین کشورهایی الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آنها می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی ایران و حضور پررنگ‌تر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید. دلیل انتخاب کشورهای مذکور به‌عنوان شرکای مناسب جهت ایجاد موافقتنامه تجارت آزاد و بلوک تجاری علاوه بر الگو بودن و جایگاه آنها در تجارت ایران همخوانی شرایط اقتصادی ایران با کشورهای مورد مطالعه و منافع حاصل از گسترش روابط تجاری با کشورهای مذکور و ... می‌باشد.

با توجه به شرایط کشورهای مورد مطالعه و نیز شرایط ایران (به‌عنوان یکی از اقتصادهای پر قدرت در منطقه خاورمیانه، داشتن منابع غنی معدنی و طبیعی و همچنین ذخایر فراوان نفت و گاز)، توسعه ارتباط ایران و کشورهای مذکور به‌طور قطع موجب ارتقای تجارت منطقه‌ای و جهانی شده و کشورهای مورد مطالعه می‌توانند بازارهای مناسبی در جذب صادرات ایران و تأمین نیازهای وارداتی

1. Goldman Sachs

ایران باشند. در مقاله حاضر که برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده می‌باشد با بررسی و تعیین کالاهای مزیت‌دار و پتانسیل صادراتی و وارداتی ایران و کشورهای گروه بریکس و اندازه‌گیری شاخص تجارت مکملی که تشابهات نیازهای وارداتی و صادراتی ایران و کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد تلاش شده است تا امکان همگرایی اقتصادی و توسعه روابط تجاری ایران با کشورهای گروه بریکس بررسی و سنجیده شود. آمار مورد استفاده در این پژوهش از سایت بانک جهانی (سایت نرم‌افزاری Wits) و در بازه زمانی (۲۰۱۰-۲۰۰۰) گرفته شده و سایر محاسبات بر اساس متدولوژی انجام شده است.

۲. شرایط اقتصادی- اجتماعی کشورها

کشورهای گروه بریکس با جمعیتی حدود ۳ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۱، ۴۳ درصد از جمعیت جهان را داراست و کشورهای چین و هند به ترتیب با جمعیتی حدود ۱/۳ و ۱/۲ میلیارد نفر رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. ایران در این رتبه‌بندی با جمعیتی حدود ۷۵ میلیون نفر در جایگاه ۱۷ قرار گرفته است. تولید ناخالص داخلی دربرگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوره مشخص معمولاً یک سال در یک کشور تولید می‌شود و یکی از معیارهای تعیین توان و ظرفیت اقتصادی کشورها در تولید و مصرف می‌باشد. بر اساس آمار موجود، ارزش تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۱ حدود ۳۵۴۱/۴ میلیارد دلار بوده و جایگاه سوم را در جهان به خود اختصاص داده است. سهم گروه بریکس از تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۱۱ با تولیدی به ارزش ۶۱۵۳ میلیارد دلار ۱۴/۵ درصد و ارزش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۹ رقمی بالغ بر ۱۵۸ میلیارد دلار بوده است. همچنین بیشترین درآمد سرانه در سال ۲۰۱۱ متعلق به کشور روسیه بوده که در سال ۲۰۱۱ رقمی بالغ بر ۱۲۵۸۶ دلار بوده و کمترین درآمد سرانه در سال مذکور متعلق به هند با رقم ۱۵۱۴ دلار بوده که با جمعیت بالای کشور هند دور از ذهن نیست و درآمد سرانه ایران در سال ۲۰۱۱ حدود ۷۹۰۸/۶ دلار بوده است. بر اساس آمار موجود بیشترین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۰ متعلق به چین با ارزشی حدود ۱۸۵ میلیارد دلار می‌باشد. ارزش سرمایه‌گذاری مستقیم در جهان در سال ۲۰۱۰، ۱۴۵۷/۵ میلیارد دلار و سهم کشورهای عضو گروه بریکس با ۳۰۲ میلیارد دلار ۲۰ درصد بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۱۰ رقمی بالغ بر ۳/۶ میلیارد دلار بوده که وضعیت آن نسبت به سایر کشورها (بجز آفریقای جنوبی) بسیار نامناسب می‌باشد.

بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ گزارشی را در خصوص چارچوب بهبود فضای کسب و کار و شناسایی چالش‌های موجود جهت ارتقای وضعیت فضای کسب و کار با بررسی ۱۸۳ کشور جهان ارائه داده که نتایج حاکی

از آن است که وضعیت ایران از لحاظ شاخص مذکور طی دوره (۲۰۱۳-۲۰۱۲) نامناسب‌تر شده و یک پله تنزل داشته است. آفریقای جنوبی با رتبه ۳۹ بهترین جایگاه را بین کشورهای مورد مطالعه دارا است. در خصوص شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) و به موجب گزارش مجمع جهانی اقتصاد چین در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با ۱۴۴ کشور بررسی شده با احراز ارزش ۴/۸۳ رتبه ۲۹ را در جهان به خود اختصاص داده و وضعیت بهتری را نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه کسب نموده و ایران نیز طی دوره مورد بررسی از لحاظ شاخص رقابت‌پذیری بدتر شد و رتبه آن از ۶۶ در سال ۲۰۱۲ به ۶۷ در سال ۲۰۱۳ تنزل یافت. از لحاظ شاخص توسعه انسانی روسیه در سال ۲۰۱۱ با احراز ارزش ۰/۷۵۵ و رتبه ۶۶ بهترین جایگاه را به خود اختصاص داده است و به همراه کشورهای برزیل و ایران جزء کشورهای دارای توسعه انسانی بالا می‌باشد و سه کشور دیگر دارای توسعه انسانی متوسط می‌باشند. بر اساس اندازه‌گیری به عمل آمده از طریق بنیاد هریتیج در خصوص شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۳ آفریقای جنوبی با رتبه ۷۴ بهترین جایگاه (دارای اقتصادی نسبتاً باز) را بین کشورهای مورد مطالعه از آن خود نموده است. ایران نیز با ارزش ۴۳/۲ رتبه ۱۶۸ را میان کشورهای جهان کسب نموده است و بدترین وضعیت (دارای اقتصادی کاملاً بسته) را بین کشورهای مورد مطالعه دارد.

۳. تجارت

بر اساس آمار موجود ارزش صادرات جهانی کشورهای گروه بریکس در مجموع ۳۰۶۶ میلیارد دلار بوده و بیشترین صادرات جهانی با رقم ۱۸۹۸/۴ میلیارد دلار متعلق به کشور چین است که از این مقدار به ترتیب ۱۴/۸ میلیارد دلار (۰/۸ درصد) با ایران و ۱۳۴/۶ (۷/۱ درصد) با کشورهای هم‌گروه خود در بریکس صادرات داشته است. ایران نیز در سال ۲۰۱۱ رقمی بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار داشته که از مقدار مذکور ۶/۴ درصد یعنی ۸/۳ میلیارد دلار به کشورهای گروه بریکس صادر شده است. ارزش واردات جهانی کشورهای گروه بریکس در سال ۲۰۱۱ در مجموع ۲۸۳۸ میلیارد دلار بوده و چین با ۱۷۴۳/۴ میلیارد دلار واردات بیشترین واردات را داشته که از مقدار مذکور ۳۰/۳ میلیارد دلار (۱/۷ درصد) از ایران و ۱۴۸/۲ میلیارد دلار (۸/۵ درصد) از کشورهای هم‌گروه خود واردات داشته است. واردات جهانی ایران در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۶۸ میلیارد دلار بوده که ۹/۶ میلیارد دلار (۱۴/۱ درصد) آن از کشورهای گروه بریکس وارد شده است.

در جدول (۱)، ۵ شریک عمده صادراتی و وارداتی ایران در سال ۲۰۱۰ ارائه شده است. بر اساس جدول مذکور ارزش صادرات و واردات جهانی ایران در سال ۲۰۱۰ به ترتیب برابر با ۸۴ میلیارد دلار و ۵۴/۷ میلیارد دلار بوده است و عمده‌ترین شرکای صادراتی ایران در سال مذکور عراق، چین، امارات،

هندوستان و افغانستان می‌باشد که در مجموع صادرات ایران به ارزش ۱۵۵۲۵ میلیون دلار به کشورهای مذکور داشته و سهم آنها در صادرات ایران ۱۸ درصد بوده است و از این مقدار بالغ بر ۱۲ درصد یعنی رقم ۱۸۹۳ میلیون دلار صادرات نفت و گاز می‌باشد. بیشترین تنوع در کالای صادراتی در صادرات ایران به کشور عراق با ۱۳۸۵ نوع کالا و کمترین تنوع نیز با ۲۳۵ قلم کالا در صادرات ایران به کشور هند بوده است.

جدول ۱. شرکای صادراتی و وارداتی ایران در سال ۲۰۱۰

تعداد کالاهای صادراتی		ارزش صادرات ایران در ۲۰۱۰		۵ شریک عمده صادراتی	ردیف
		صادرات نفت و گاز	کل صادرات		
۱۳۸۵	۱۵۳	۴۶۰۲	عراق	۱	
۲۳۸	۷۶۶	۴۴۵۰	چین	۲	
۷۹۱	۸۸۹	۳۴۸۴	امارات	۳	
۲۳۵	۸۵	۱۶۷۳	هند	۴	
۱۱۴۹	۱	۱۳۱۶	افغانستان	۵	
۲۶۳۰	۴۹۸۷۷	۸۳۷۸۵	جهان		

تعداد کالاهای وارداتی		ارزش واردات ایران در سال ۲۰۱۰		۵ شریک عمده وارداتی	ردیف
		واردات نفت و گاز	کل واردات		
۳/۷۸	۱۷/۹	۱۵۶۷۱	امارات	۱	
۳۰۰۸	۰/۰۰۱	۵۷۱۵	چین	۲	
۲۴۳۴	۰/۰۷۴	۴۴۶۴	آلمان	۳	
۱۴۸۲	۰/۰۹۲	۳۶۸۷	کره	۴	
۲۳۵۴	۰/۳۰۰	۲۳۲۴	ترکیه	۵	
۴۰۸۷	۱۷/۳	۵۴۶۹۷	جهان		

Source: <https://wits.worldbank.org>.

۴. پیشینه تحقیق و مروری بر مطالعات تجربی

بسیاری از محققان از جمله بالاسا (۱۹۶۵) در مطالعات تجربی خود با کمک گرفتن از تئوری‌های مختلف تجارت بین‌الملل به معرفی شاخص‌ها و معیارهایی پرداخته‌اند که پتانسیل‌های تجاری کشورها را در حوزه تجارت جهانی آشکار می‌سازد. بر اساس دیدگاه وی میزان پتانسیل تجاری کشورها متأثر از تعدادی عوامل می‌باشد که برخی از آنها با توجه به منابع اطلاعاتی و آماری موجود قابل اندازه‌گیری است و برخی دیگر از عوامل غیرقابل اندازه‌گیری می‌باشد. بر این اساس، وی توانسته است پتانسیل تجاری کشورها را با بررسی الگوهای تجاری کشورها و در سطح بخشی و کالایی در تجارت بین‌المللی آشکار نماید. به‌منظور بررسی پتانسیل تجاری با تکیه بر عرضه عوامل تولیدی لازم است ابتدا ظرفیت و شدت دسترسی به عوامل تولید کالای صادراتی شناسایی شود که مطالعه مذکور در چاچوب مدل هکشر-اوهلین^۱ قابل بررسی است. محاسبه پتانسیل تجاری با تکیه بر میزان ظرفیت عوامل تولیدی به چند دلیل دشوار است. عمده‌ترین آن عدم دسترسی به اطلاعات به‌روز و قابل اعتماد به‌صورت جزء و در سطح کالایی در زمینه تولید کالا و منابع و امکانات در دسترس کشورها به‌ویژه کشورهای درحال توسعه می‌باشد.

روش‌های مورد استفاده برای تعیین پتانسیل تجاری عمدتاً متکی بر دو روش است: روش متکی بر مطالعات اقتصادسنجی و روش مقایسه ساختار تجاری با استفاده از شاخص‌های ساده ریاضی. این روش‌ها صرفنظر از اینکه امکان تجارت به‌صورت دو یا چند جانبه کشورها را نشان می‌دهند میزان پتانسیل تجاری میان کشورها به‌صورت دوجانبه را نیز آشکار می‌سازند. روش تعیین پتانسیل تجاری بر مبنای مطالعات اقتصادسنجی از طریق تخمین مدل جاذبه، میزان پتانسیل تجاری میان کشورها در سطح بخشی و نه صرفاً کالایی برآورد می‌شود که یکی از معایب این روش محسوب می‌گردد.

در مواردی که هدف تجزیه و تحلیل امکان و برآورد پتانسیل تجاری دوجانبه میان آن دسته از کشورهایی است که ابتدا هیچ رابطه تجاری با یکدیگر ندارند (نظیر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی) از شاخص‌ها و روش‌های مختلفی استفاده می‌شود که به‌صورت معادلات ریاضی در قالب فرمول‌های بسیار ساده، میزان و امکان تجارت میان کشورها به‌صورت بالقوه و در سطح کالایی آشکار می‌سازد. در روش مذکور میزان و امکان تجارت بین کشورها به‌طور بالقوه در سطح کالایی و بخشی آشکار می‌شود. در این روش، شاخص‌ها با استفاده از طبقه‌بندی‌های کالایی و بر حسب ارزش‌های مستقیم صادرات و واردات زوج کشورها (با استفاده از داده‌های پس از تجارت) قابل محاسبه می‌باشند. در ذیل

1. Hackscher-Ohlin

ابتدا به‌طور خلاصه به برخی مطالعاتی که در خارج و داخل در رابطه با همگرایی اقتصادی و برآورد شاخص‌های مورد مطالعه پرداخته‌اند اشاره می‌کنیم، سپس به معیارهای شناخته‌شده برای بررسی امکان تجارت می‌پردازیم.

مهدی‌پور (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی و کسینوس به ارزیابی و تعیین ظرفیت‌های تجاری دوجانبه ایران با کشورهای عضو موافقتنامه نظام تجارت ترجیحی سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته و نتایج حاکی است طی دوره (۲۰۰۱-۱۹۹۷) بیشتر از ۷۵ درصد از ظرفیت صادراتی ایران به اعضای موافقتنامه و بیش از ۶۰ درصد از ظرفیت وارداتی ایران از اعضای موافقتنامه بلااستفاده باقیمانده است.

حسینی و بزرگی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادرات کالایی ایران به کشور آفریقای جنوبی" از شاخص‌های پتانسیل تجاری، مزیت نسبی و شاخص کسینوس استفاده نمود و نتایج نشان داد کشور آفریقای جنوبی بین کشورهای آفریقایی دارای رتبه اول در تجارت با ایران می‌باشد و بخش اعظمی از پتانسیل صادراتی ایران به کشور مذکور بلااستفاده باقیمانده است.

قوش و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی کشورهای گروه بریک پرداخته و شرایط آنها و مدل‌های توسعه‌یافتگی تمام کشورها را مطالعه کرده و ترزا دی کاسترو (۲۰۱۰) نیز در مقاله‌ای دیگر شدت تجارت بین کشورهای گروه بریک (پیش از پیوستن آفریقای جنوبی به گروه) طی دوره (۲۰۰۹-۱۹۹۵) بررسی نموده و علاوه بر تجارت درون گروهی تجارت کشورهای گروه بریکس با اتحادیه اروپا را نیز بررسی نمود و نتایج حاکی از پیشرفت شدید تجارت بین چین-برزیل و چین-هند بوده و روسیه به‌عنوان شریک تجاری ویژه برای اتحادیه اروپا شناخته شده است.

چندران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی تجارت مکملی بین هند و کشورهای عضو آسه آن در قالب RTA پرداخت و محصولاتی که هند و کشورهای آسه آن در تجارت با یکدیگر دارای اکمال تجاری هستند را معرفی نمود و شیهکی تاش و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تجارت دوجانبه بین ایران و کشورهای D8" تجارت درون گروهی و آثار رفاهی و نتایج حاصل از برداشته شدن موانع تعرفه‌ای را بین ایران و کشورهای گروه D8 بررسی می‌کند و نتایج حاکی از آن است که علیرغم انتظار با افزایش تجارت در قالب موافقتنامه رفاه کشورها افزایش نمی‌یابد. جین کیم (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با استفاده از شاخص‌های شدت تجارت، اکمال تجاری و... به بررسی چگونگی جریان تجاری کره جنوبی با شرکای عمده تجاری خود (به‌عنوان مثال، چین، ایالات متحده آمریکا و ژاپن) طی دوره (۲۰۰۹-۲۰۰۵) و افزایش جریان‌های سرمایه‌ای و مشارکت اقتصادی و کاهش موانع تعرفه‌ای سر راه واردات بین کره جنوبی و چین (ژاپن) را به‌عنوان راهکارهای لازم معرفی نموده است.

دو معیار شناخته شده که برای بررسی امکان تجارت میان کشورها در مطالعات تجربی استفاده می‌شود عبارتند از شاخص درایسدل^۱ (۱۹۶۷) و شاخص کسینوس (Cosine). هر دو شاخص با اندازه‌گیری تجارت مکملی دوجانبه بین کشورها به این پرسش پاسخ می‌دهند که تا چه حد تخصص‌گرایی یک کشور در صادرات تکمیل‌کننده تقاضای وارداتی کشور دیگر است؟ در برخی مطالعات اخیر در حوزه تجارت بین‌الملل تلاش می‌شود تجارت مکملی کشورها را با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی آشکار شده^۲ که متکی بر داده‌های پس از تجارت^۳ و مبتنی بر ارزش صادرات و واردات کشورها در سطح کالایی و مطابق با روش تحلیل عملکردی می‌باشند برآورد نمایند. برای این منظور شاخص درایسدل به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$C_{ij} = \sum_{k=1}^n \left[\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t} \cdot \frac{M_{ww}^t - M_{iw}^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} \cdot \frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t} \right] \quad (1)$$

چنانچه طرفین صورت و مخرج شاخص‌های سهم صادراتی و وارداتی کشور i و زمدل مذکور

به ترتیب بر سهم صادرات جهانی $\left(\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}\right)$ و واردات جهانی $\left(\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}\right)$ ضرب گردد، آنگاه به رابطه

مزیت نسبی آشکار شده بالاسا خواهیم رسید. به این ترتیب خواهیم داشت:

$$C_{ij} = \sum_{k=1}^n \left[\frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}}{\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t}} * \frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t} \cdot \frac{M_{ww}^t - M_{iw}^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} \cdot \frac{\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}}{\frac{M_{ww}^k}{M_{ww}^t}} * \frac{M_{ww}^k}{M_{ww}^t} \right] \quad (2)$$

1. Drysdale, P.
2. Revealed Comparative Advantage (RCA)
3. EX-Post

از سوی دیگر، می‌توان وزن سهم صادراتی رابطه مذکور را به صورت ذیل نوشت:

$$\frac{M_{ww}^t - M_i^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} = \frac{M_{ww}^t (1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{M_{ww}^k (1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} = \frac{M_{ww}^t}{M_{ww}^k} \left(\frac{(1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{(1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} \right) \quad (3)$$

با توجه به فرمول پیشنهادی بالاسا مزیت نسبی رابطه (۴) و عدم مزیت نسبی رابطه (۵) کشورها عبارت است از:

$$RCA_i^k = \frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}}{\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t}} \quad (4)$$

$$RMA_j^k = \frac{\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}}{\frac{M_{ww}^k}{M_{ww}^t}} \quad (5)$$

از آنجایی که سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات جهانی بسیار پایین است رابطه مذکور را می‌توان تقریباً معادل عدد یک فرض نمود در این صورت شاخص پیشنهادی درایسدل را می‌توان معادل رابطه زیر دانست:

$$\left(\frac{(1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{(1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} \right) \quad (6)$$

$$C_{ij} \equiv \sum_{k \in s} \left[RCA_i^k \cdot \theta^k \cdot RMA_j^k \right]$$

در رابطه فوق θ^k معادل $\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^T}$ می‌باشد.

شاخص مذکور در بسیاری از موضوعات مربوط به یکپارچگی منطقه‌ای شامل مطالعات کالفت و فلوریس (۲۰۰۴)

جهت بررسی موافقتنامه آزاد تجاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا با مرکوسور و ریدرادو و لونکانزا (۲۰۰۵)

جهت بررسی زمینه‌های توسعه تجارت در آمریکای لاتین و حسن‌پور (۱۳۸۳) جهت معرفی فهرست بخش‌های پیشنهادی و درخواستی ایران در تجارت با هر یک از کشورهای عضو نظام ترجیحات تجاری از شاخص مذکور استفاده شده است.

۵. تجارت مکملی

برای تخمین تجارت مکملی ایران در صادرات کالا به هر یک از کشورهای گروه بریکس و بر حسب صادرات کالاهای دارای مزیت از رابطه ذیل استفاده گردیده است:

$$C_{ij} \equiv \sum_k \left[RCA_{ir}^k \cdot \theta^k \cdot RMA_j^k \right] \quad (7)$$

در این رابطه، θ^k معادل $\frac{X_{ww}^{kcs}}{X_{ww}^s}$ است که سهم صادرات جهانی کالای k از کل صادرات جهانی بخش S (گروه کالایی) بیان می‌کند و RCA_{ir}^k مزیت نسبی آشکار شده ایران و RMA_j^k عدم مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرف‌های تجاری (j) و C_{ij} شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات کالاهای دارای مزیت با هر یک از کشورهای منطقه (j) می‌باشد. در این پژوهش تجارت مکملی بر حسب کدهای شش رقمی طبقه‌بندی نظام هماهنگ (HS)^۱ برآورد گردیده است. برای بررسی تجارت مکملی ایران در واردات کالا از هر یک از کشورهای منطقه و بر حسب کدهای کالایی (HS) تجارت از رابطه ذیل استفاده گردید:

$$C_{jir} \equiv \sum_k \left[RCA_j^k \cdot \theta^k \cdot RMA_{ir}^k \right] \quad (8)$$

در این رابطه، RMA_{ir}^k عدم مزیت نسبی آشکار شده ایران و RCA_j^k مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرف‌های تجاری و C_{jir} شاخص تجارت مکملی کالای k در واردات غیرنفتی ایران از هر یک از کشورهای منطقه (j) است.

۶. پتانسیل تجاری

در پژوهش حاضر جهت تخمین پتانسیل تجاری ایران با کشورهای گروه بریکس از روش‌های پیشنهادی آنکتاد به صورت زیر استفاده شده است. جهت تخمین پتانسیل صادراتی دوجانبه ایران با هر یک از کشورهای گروه بریکس از رابطه زیر استفاده می‌گردد:

$$IXP_{ij}^k = \text{MIN}(X_{iw}^k, M_{jw}^k) \quad (9)$$

$j=1,2,3,4,5$; $i=1$ ایران

X_{iw}^k : ارزش صادرات ایران به جهان در کالای k

M_{jw}^k : ارزش واردات کشورهای گروه بریکس از جهان در کالای k

IXP_{ij}^k : ارزش پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با کشورهای گروه بریکس در کالای k

به این ترتیب، ابتدا ارزش صادرات و واردات جهانی ۵ کشور گروه بریکس بر حسب کدهای شش رقمی HS از بانک نرم‌افزاری آنکتاد تحت عنوان PC/TAS استخراج و ارقام صادرات و واردات کشورها به صورت دوجانبه و مشترک استخراج و حداقل آن به عنوان حداکثر پتانسیل تعیین می‌گردد، سپس با استفاده از رابطه زیر پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با هر یک از کشورهای تجمیع و به صورت خلاصه در جداول ارائه می‌شود.

$$POT_{ij} = \sum_{k=1}^m IXP_{ij}^k \quad (10)$$

برای تخمین پتانسیل وارداتی دوجانبه ایران با هر یک از کشورهای گروه بریکس از رابطه ذیل استفاده گردید:

$$IMP_{ij}^k = \text{MIN}(M_{iw}^k, X_{jw}^k) \quad (11)$$

$j=1,2,3,4,5$; $i=1$

X_{jw}^k : ارزش صادرات کشورهای گروه بریکس به جهان در کالای k

M_{iw}^k : ارزش واردات ایران از جهان در کالای k

IMP_{ij}^k : ارزش پتانسیل وارداتی کشورهای گروه بریکس در تجارت با کشور ایران در کالای k

۷. تخمین نتایج

بر اساس جدول (۲) کالای عمده صادراتی ایران شامل کدهای کالایی ۲۷۰۹۰۰ و ۲۷۱۱ است که از خانواده نفت و گاز می‌باشند و تنها محصول کشاورزی صادراتی ایران در سال ۲۰۱۱ که دارای مزیت نسبی ۵۸۷۲ می‌باشد پسته است که بالغ بر یک میلیارد دلار به جهان صادرات داشته است و سایر کالاها نیز جزء فرآورده‌های نفت و گاز یا منابع معدنی می‌باشند که بیانگر کم بودن سهم محصولات صنعتی در صادرات جهانی ایران می‌باشد. قابل ذکر است که صادرات ایران در ۱۰ کالای مذکور در جدول بالغ بر ۹۵۷ میلیارد دلار بوده که سهم ۷۳ درصدی از صادرات جهانی ایران را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲. کالای عمده و دارای مزیت نسبی صادراتی ایران به جهان (۲۰۱۱)

کد کالا	شرح کالا	صادرات جهانی ایران (میلیون دلار)	شاخص مزیت نسبی (RCA)
۲۷۰۹۰۰	نفت خام (Petroleum Oil) و روغن حاصل از مواد معدنی قیری، خام	۸۴۳۸۱/۶	۸/۹
۲۷۱۱۱۲	-- پروپان: مایع شده در ظروف کمتر از یک هزار سانتی متر مکعب	۱۹۵۸/۳	۸/۸
۲۷۱۱۱۹	-- سایر گازهای نفتی و سایر هیدروکربورهای گازی شکل مایع شده در ظروف کمتر از یک هزار سانتی متر مکعب	۱۸۹۱/۲	۴۴/۲
۳۹۰۱۱۰	-- پلی اتیلن خطی (LLDPE): به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۱۶۶۰/۶	۷/۷
۲۹۰۵۱۱	-- متانول (الکل متلیک)	۱۳۱۸/۰	۲۵/۱
۲۷۱۱۱۳	-- بوتان: مایع شده در ظروف کمتر از یک هزار سانتی متر مکعب	۱۱۸۶/۵	۶/۶
۰۸۰۲۵۰	- پسته	۱۰۱۲/۸	۵۸/۲
۳۱۰۲۱۰	- اوره حتی به صورت محلول در آب	۹۷۶/۷	۸/۵
۲۷۱۳۲۰	- قیر نفت	۷۰۴/۶	۶/۸
۷۴۰۳۱۱	-- مس تصفیه شده: کاتود و قطعات کاتود	۶۳۸/۷	۱/۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

در جدول (۳)، ۳ کالای عمده که دارای بیشترین پتانسیل در صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس می‌باشند ارائه شد و برای رعایت لزوم اختصار به نخستین کالا در صادرات ایران به هر کشور اشاره می‌گردد. بر اساس جدول ذیل در صادرات به کشورهای برزیل، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی به طور متوسط طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۱۰) به ترتیب بالغ بر ۲۷، ۸۸۴/۷، ۱۲ و ۲۲/۸ میلیارد دلار می‌باشد. ایران در صادرات کالای ۳۱۰۲۱۰ (اوره حتی به صورت محلول در آب) به کشورهای برزیل و آفریقای جنوبی بیشترین پتانسیل صادراتی را داشته و کالای مذکور جزء کالاهای مزیت دار صادراتی ایران می‌باشد و این در حالی است که در کد مذکور ایران صادراتی به کشورهای برزیل و آفریقای جنوبی نداشته است. بیشترین پتانسیل صادراتی ایران در صادرات به کشورهای چین، هند و روسیه در کد کالایی ۳۹۰۱۱۰ (پلی اتیلن خطی (LLDPE) به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی)) کمتر از ۹۴ درصد بوده که کالای مذکور نیز جزء کالاهای مزیت دار صادراتی ایران است.

جدول ۳. عمده‌ترین اقلام دارای بیشترین پتانسیل صادراتی در صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس

(میلیون دلار)

صادرات ایران ۲۰۱۱	مزیت نسبی	ارزش پتانسیل صادراتی (۲۰۱۰-۱۱)	شرح کالا	کد کالایی	شریک تجاری
	۸/۵	۶۱۶	- اوره حتی به صورت محلول در آب	۳۱۰۲۱۰	ژ:
۱۳/۱	۱/۲	۵۳۰	-- مس تصفیه شده: کاتود و قطعات کاتود --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۷۴۰۳۱۱	
	۷/۷	۳۵۹	به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۳۹۰۱۱۰	
۴۶۶/۴	۷/۷	۱۶۱۳	به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۳۹۰۱۱۰	ژ:
۸۴۹/۵	۲۵/۱	۱۱۷۷	-- متانول (الکل متلیک)	۲۹۰۵۱۱	
۲۲۰۷/۸	۰/۸	۸۴۹	-- سنگ آهن و کنسانتره های آن غیر از پیریت های آهن تفته شده (خاکستر پیریت): به هم فشرده نشده --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۲۶۰۱۱۱	
۲۸/۲	۷/۷	۹۷۹	به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۳۹۰۱۱۰	ژ:
۶۷۱/۲	۸/۵	۶۱۶	- اوره حتی به صورت محلول در آب	۳۱۰۲۱۰	
۲۶/۷	۴/۰	۴۳۸	-- پارا - اکسیلین (p-Xylene) --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۲۹۰۲۴۳	
۰/۰۳	۷/۷	۳۳۰	به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۳۹۰۱۱۰	ژ:
۲/۳	۲/۱	۳۳۰	--- گرید لوله: به صورت پودر (پلی اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) ۹۴ درصد یا بیشتر)	۳۹۰۱۲۰	
	۲/۸	۲۹۷	--- گرید نساجی	۳۹۰۷۶۰	
	۸/۵	۲۸۷	- اوره حتی به صورت محلول در آب --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۳۱۰۲۱۰	آ:
۱/۱	۷/۷	۲۰۱	به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۳۹۰۱۱۰	
	۰/۳	۱۵۷	-- سایر وسایل نقلیه دارای موتور پیستونی درونسوز تناوبی جرقه ای - احتراقی: با حجم سیلندر ۱۵۰۰ سانتی متر مکعب تا ۲۴۰۰ سانتی متر مکعب	۸۷۰۳۲۳	

مأخذ: نتایج تحقیق.

مطابق جدول (۴) ارزش متوسط پتانسیل وارداتی ایران از کشورهای برزیل، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی به ترتیب ۲۴، ۳۸، ۲۴/۶، ۴/۷ و ۱۶/۲ میلیارد دلار می‌باشد و عمده‌ترین کالای دارای بیشترین پتانسیل وارداتی ایران به ترتیب در کدهای کالایی ۲۳۰۴۰۰ (کنجاله Oil-Cake) و ... از برزیل ۳۰۰۴۹۰ (--- سایر داروهای ...) از چین ۱۰۰۶۳۰ (برنج نیمه سفید شده ...) از هند ۲۷۱۰۰۰ (نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری) از روسیه و ۷۲۰۸۳۹ (سایر محصولات تخت نورد شده از آهن یا از فولادهای غیر ممزوج ...) از آفریقای جنوبی می‌باشد.

جدول ۴. عمده‌ترین اقلام دارای بیشترین پتانسیل وارداتی در واردات از کشورهای گروه بریکس

(میلیون دلار، ۲۰۱۱-۲۰۱۰)

شریک تجاری	کد کالایی	شرح کالا	ارزش پتانسیل وارداتی	مزیت نسبی شریک تجاری ۲۰۱۱	واردات ایران از شریک تجاری
برزیل	۲۳۰۴۰۰	کنجاله (Oil-Cake) و سایر آخال‌های جامد حتی خردشده یا به هم فشرده به صورت حبه یا گلوله که از استخراج روغن سویا به دست می‌آید.	۷۹۰	۱۴/۸	۱۵۵/۸
	۰۲۰۲۳۰	--ران به صورت بی‌استخوان گوشت حیوانات از نوع گاو، یخ‌زده	۷۶۷	۱۵/۰	۶۸۸/۸
	۱۷۰۱۱۱	-- شکر تصفیه نشده بدون اضافه کردن مواد خوشبوکننده یا مواد رنگ‌کننده از نیشکر	۶۷۶	۴۳/۰	۴۶۶/۵
آذربایجان	۳۰۰۴۹۰	-- سایر داروهای (به استثنای محصولات شماره ۰۲، ۳۰، ۰۵ یا ۰۶ (۳۰) متشکل از محصولات مخلوط شده یا نشده برای مصارف درمان یا پیشگیری از بیماری، عرضه شده به صورت مقادیر معین (از جمله آنهایی که از طریق عبور از پوست تجویز شده‌اند) یا به صورت بسته‌بندی برای خرده	۷۶۳	۰/۰۵	۳/۲
	۷۲۰۸۳۹	-- سایر محصولات تخت‌نوردشده از آهن یا از ولادهای غیرمزوج با پهنای ۶۰۰ میلیمتر یا بیشتر، گرم‌نوردشده، روکش‌نشده، آبکاری نشده و اندود نشده به صورت طومار (Coil) تنها گرم‌نورد شده به ضخامت کمتر از ۳ میلیمتر	۶۲۷	۰/۰۱	
	۲۷۱۰۰۰	نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری	۶۱۱	۰/۲	۱۱/۹
هند	۱۰۰۶۳۰	-برنج نیمه‌سفیدشده (Semi milled Rice) یا برنج کامل سفید شده (Wholly Milled Rice) حتی صیقلی یا براق شده	۹۵۸	۱۱/۳	۵۸۱/۰
	۲۳۰۴۰۰	کنجاله (Oil-Cake) و سایر آخال‌های جامد حتی خردشده یا به هم فشرده به صورت حبه یا گلوله که از استخراج روغن سویا به دست می‌آید.	۷۹۰	۴/۹	۵۸/۲
	۰۲۰۲۳۰	--ران به صورت بی‌استخوان گوشت حیوانات از نوع گاو، یخ‌زده	۷۶۷	۹/۳	۷۷/۵
روسیه	۲۷۱۰۰۰	نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری	۶۱۱	۳/۴	۱۴/۶
	۳۹۰۱۲۰	--گرید لوله: به صورت پودر (پلی اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) ۹۴ درصد یا بیشتر)	۱۶۴	۰/۱	
	۸۷۰۳۲۳	-- سایر وسایل نقلیه دارای موتور پیستونی درونسوز تناوبی جرقه‌ای - احتراقی با حجم سیلندر ۱۵۰۰ سانتی‌متر مکعب تا ۲۴۰۰ سانتی‌متر مکعب	۱۵۷	۰/۱	
آفریقای جنوبی	۷۲۰۸۳۹	-- سایر محصولات تخت‌نوردشده از آهن یا فولادهای غیرمزوج با پهنای ۶۰۰ میلیمتر یا بیشتر، گرم‌نورد شده، روکش‌نشده، آبکاری نشده و اندود نشده به صورت طومار (Coil) تنها گرم‌نورد شده به ضخامت کمتر از ۳ میلیمتر	۱۰۶۷	۵/۹	
	۲۷۱۰۰۰	نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری	۶۱۱	۰/۳	
	۲۷۰۴۰۰	-- کک و نیمه کک (Semi-Coke) زغال سنگ، لینییت یا تورب حتی به هم فشرده؛ زغال قرع برای ساخت الکترودها	۴۸۳	۰/۲	

مأخذ: نتایج تحقیق.

بر اساس جدول (۵) طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۰۰) شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات به کشورهای گروه بریکس بزرگتر از یک بوده که این مطلب حاکی از تشابه بالای صادرات ایران با واردات کشورهای گروه بریکس می‌باشد و این امکان تجارت بین ایران و کشورهای گروه بریکس را افزایش می‌دهد. شاخص تجارت مکملی ایران از رقم ۱/۶ در سال ۲۰۰۰ با نرخ رشد متوسط سالانه ۳/۱ در حال کاهش بوده و در سال ۲۰۱۱ به ۱/۱ تنزل می‌یابد. سهم کشورهای گروه بریکس از واردات جهانی طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۰۰) ۰/۱ درصد بوده است. صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس با نرخ رشد متوسط سالانه ۳۲/۸ درصد از رقم ۰/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۸/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته و سهم آن از صادرات جهانی ایران به‌طور متوسط ۱۱/۳ درصد بوده است.

جدول ۵. وضعیت شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات به کشورهای گروه بریکس (میلیارد دلار، ۲۰۱۱-۲۰۰۰)

وضعیت	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	نرخ رشد متوسط سالانه (درصد)
شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات کالا با واردات گروه بریکس سهم کشورهای گروه بریکس از واردات جهانی	۱/۶	۱/۴	۱/۱	۱/۲	۱/۲	۱/۱	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۱/۴	۱/۱	۳/۱-	
صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۹/۲	
۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۶	۰/۹	۱/۳	۲/۲	۲۵/۸	۳۷/۱	۲۶/۷	۶/۶	۸/۳
۲	۲۸/۳	۲۳/۹	۲۸/۲	۳۳/۸	۴۴/۶	۶۰	۶۳/۲	۷۹/۵	۱۰۷	۶۶/۱	۸۳/۸	۱۳۰/۵	۱۴/۹
سهم ۱ از ۲	۱/۳	۱/۸	۱/۶	۱/۹	۲/۲	۳/۵	۳۲/۴	۴۰/۴	۳۴/۷	۷/۹	۶/۴	۱۵/۵	

مأخذ: نتایج تحقیق.

بر اساس نتایج پژوهش بیشترین تشابه بین الگوهای صادراتی ایران و الگوهای وارداتی هند وجود داشته و رقم شاخص مذکور برای کشور هند طی دوره مورد مطالعه به‌طور متوسط ۳/۲ درصد بوده است. کمترین رقم شاخص تجارت مکملی در صادرات ایران با واردات کشور روسیه بوده که از رقم ۰/۴ فراتر نرفته و به‌طور متوسط ۰/۳ درصد بوده است. بر اساس جدول (۶) شاخص تجارت مکملی ایران در واردات از کشورهای گروه بریکس طی دوره (۲۰۰۹-۲۰۰۰) بزرگتر از یک بوده و حاکی از تشابه الگوهای وارداتی ایران و الگوهای صادراتی کشورهای گروه بریکس است. سهم کشورهای گروه بریکس از صادرات جهانی طی دوره مورد مطالعه به‌طور متوسط ۰/۱ درصد می‌باشد. واردات ایران از کشورهای گروه بریکس طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۰۰) با نرخ رشد متوسط سالانه ۱۴/۲ درصد از ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۹/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. سهم واردات ایران از کشورهای گروه بریکس از واردات جهانی ایران طی دوره مورد مطالعه از ۱۶/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. تجارت مکملی در واردات ایران از کشور برزیل در مقایسه با سایر کشورها بیشتر بوده و طی دوره مذکور به‌طور متوسط ۱/۹ است که حاکی از تشابه در الگوهای وارداتی ایران و صادراتی کشور برزیل است.

جدول ۶. وضعیت شاخص تجارت مکملی ایران در واردات از کشورهای گروه بریکس

وضعیت	نرخ رشد												
	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}	\bar{x}		
شاخص تجارت مکملی ایران در واردات کالا با صادرات کشورهای گروه بریکس از صادرات جهانی	۱/۱۸	۱/۱۰	۰/۹۱	۱/۰۴	۰/۹۹	۰/۹۵	۱/۰۵	۱/۱۶	۱/۱۲	۱/۰۷	۰/۹۵	۰/۹۴	-۲
سهم کشورهای گروه بریکس از صادرات جهانی	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۷/۹
۱ واردات ایران از کشورهای گروه بریکس	۲/۲	۲/۹	۳/۱	۴/۵	۴/۳	۵/۳	۳/۹	۱۴/۲	۱۵/۱	۱۴/۱	۸/۳	۹/۶	۱۴/۲
۲ واردات ایران از جهان	۱۳/۶	۱۶/۲	۲۰/۳	۲۵/۶	۳۳/۰	۳۸/۷	۴۰/۷	۵۱/۱	۵۸/۶	۵۳/۸	۵۴/۷	۶۸/۳	۱۵/۸
سهم از ۱ سهم از ۲	۱۶/۴	۱۷/۹	۱۵/۳	۱۷/۵	۱۳/۰	۱۳/۸	۹/۷	۲۷/۸	۲۵/۷	۲۶/۱	۱۵/۱	۱۴/۰	-۱/۴

مأخذ: نتایج تحقیق.

۸. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

ایران در سال‌های پس از انقلاب موضوع منطقه‌گرایی و همگرایی اقتصادی را به‌شدت دنبال نموده است و از آنجایی که برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. کشورهای عضو بریکس که به پیشنهاد اقتصاد بین‌کشورهایی در حال توسعه تبدیل شده‌اند (بجز کشور روسیه که کشوری توسعه‌یافته محسوب می‌شود) و به‌واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فراگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌باشند. تعامل با چنین کشورهایی الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آنها می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی ایران و حضور پررنگ‌تر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید.

نتایج حاکی از آن است بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ کشورهای گروه بریکس دارای وسعت و جمعیتی بالغ بر ۳۸ میلیون کیلومتر و ۳ میلیارد نفر می‌باشند و ۳۰ درصد از مساحت و ۴۳ درصد از جمعیت کره زمین را به خود اختصاص داده‌اند. ایران نیز با وسعت ۱/۶ میلیون کیلومتر دارای جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر می‌باشد. کشورهای گروه بریکس در مجموع در سال ۲۰۱۱ تولید ناخالص داخلی حدود ۶۱۵۳ میلیارد دلار داشته که نیمی از آن متعلق به کشور چین بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم در جهان در سال ۲۰۱۰ به‌طور کلی ۱۴۵۷/۵ میلیارد دلار بوده است که سهم کشورهای عضو گروه بریکس با ۳۰۲ میلیارد دلار ۲۰ درصد بوده و ایران نیز ارزشی معادل ۳/۶ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از آن خود نموده است. از لحاظ شاخص‌های اجتماعی ایران تنها در شاخص توسعه انسانی وضعیت مناسبی داشته و در سایر شاخص‌ها (فضای کسب و کار، آزادی اقتصادی و رقابت‌پذیری) وضعیت کشورهای گروه بریکس (برخی کشورها) بهتر از ایران بوده است. تنها کشور آفریقای جنوبی از لحاظ شاخص آزادی اقتصادی وضعیت مناسبی دارد و سایر کشورها تقریباً دارای اقتصاد بسته هستند. ارزش صادرات و واردات جهانی کشورهای گروه بریکس در سال ۲۰۱۱ به‌ترتیب مجموع ۳۰۶۶ و ۲۸۳۸ میلیارد دلار بوده و حدود ۶۲ درصد (۱۸۹۸/۴ میلیارد دلار از صادرات و ۱۷۴۳/۴ از واردات) متعلق به کشور چین بوده و کشور ایران نیز صادرات و وارداتی به‌ترتیب بالغ بر ۱۳۰ و ۶۸ میلیارد دلار داشته ۸/۳ میلیارد دلار از صادرات و ۹/۶ میلیارد دلار از واردات با کشورهای گروه بریکس بوده است. ارزش پتانسیل ایران در صادرات به کشورهای گروه بریکس (برزیل، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی) به‌طور متوسط طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۱۰) به‌ترتیب بالغ بر ۲۷، ۸۸/۴، ۸۳/۷، ۱۲ و ۲۲/۸ میلیارد دلار و پتانسیل ایران در واردات از کشورهای مذکور نیز به‌ترتیب بالغ بر ۲۴، ۳۸، ۲۴/۶، ۴/۷ و ۱۶/۲ میلیارد دلار می‌باشد.

عمده‌ترین کالاهای دارای پتانسیل صادراتی ایران در صادرات به کشورهای مذکور نیز به ترتیب عبارتند از کدهای ۳۱۰۲۱۰ (-) اوره حتی به صورت محلول در آب) در صادرات ایران به کشورهای برزیل و آفریقای جنوبی و در صادرات کد کالایی ۳۹۰۱۱۰ (- - - پلی اتیلن خطی (LLDPE) به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد) در صادرات به سه کشور دیگر بیشترین پتانسیل صادراتی را داشته که هر دو محصول جزء محصولات پتروشیمی بوده، اما با وجود پتانسیل بالای صادراتی ایران برخی کشورهای مورد مطالعه مانند برزیل هیچ وارداتی از ایران نداشته و سایر کشورها نیز واردات اندکی داشته‌اند. یکی از محصولات غذایی که ایران در صادرات به گروه بریکس به ویژه روسیه دارای پتانسیل صادراتی بالایی است سیب می‌باشد و پس از آن محصولاتی مانند پسته و زعفران و ... در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند و برای تبدیل پتانسیل صادراتی ایران به صادرات تحقق یافته نیاز به سیاست‌گذاری‌های مورد نیاز می‌باشد.

نتایج شاخص تجارت مکملی حاکی از آن است که شاخص تجارت مکملی در صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس در دوره مورد مطالعه بزرگتر از یک بوده که این مطلب نشان‌دهنده تشابه بالای صادرات ایران با واردات کشورهای گروه بریکس می‌باشد و بیشترین تشابه بین الگوهای صادراتی ایران و الگوهای وارداتی هند وجود داشته و رقم شاخص تجارت مکملی ایران در واردات از کشورهای گروه بریکس تنها در دو سال پایانی کوچکتر از یک و در سایر سالها بزرگتر از یک بوده است که نشان‌دهنده تشابه الگوهای وارداتی ایران و الگوهای صادراتی کشورهای گروه بریکس است و بیشترین تشابه در الگوهای وارداتی ایران و صادراتی کشور برزیل است.

بر اساس نتایج فوق ایران شرایط لازم برای همگرایی اقتصادی با کشورهای گروه بریکس را به طور نسبی دارد و می‌تواند با ایجاد زیرساخت‌ها و تقویت توان تولیدی کشور پتانسیل ایران در تجارت با کشورهای گروه بریکس افزایش داده و انعقاد یک موافقتنامه تجارت آزاد و ایجاد بلوک منطقه‌ای بین ایران و کشورهای مورد مطالعه را منطقی و در آینده‌ای نزدیک دست‌یافتنی خواهد نمود، همچنین قابل ذکر است که ایجاد هر یک از مراحل همگرایی موفق و رو به جلو فرایندی زمان‌بر و پیچیده است که به میزان و وسعت دسترسی به بازار هر یک از این کشورهای گروه بریکس در این فرایند بستگی دارد. کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، بهبود فضای کسب و کار و تسهیل در جریان مبادلات ارزی و مالی کشورها در قالب طرح‌های همگرایی می‌تواند عامل توسعه روابط و استحکام این روابط گردد و دسترسی به بازار کشورهای مورد مطالعه برای صادرکنندگان ایران با شناخت بخش‌ها و کشورهای هدف و الگوپردازی از کشورهای مورد مطالعه طی فرایند همگرایی و رسیدن به درجه توسعه یافتگی

بالا حتی در کوتاه‌مدت نیز می‌تواند اتفاق افتد. ایران نیز با اتخاذ یک دیپلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های کشورهای گروه بریکس می‌تواند میان انبوهی از فرصت‌ها چه در بخش کالایی و چه در بخش غیرکالایی نظیر خدمات حمل و نقل و خدمات فنی و مهندسی سهم مناسبی از ظرفیت‌های بازار کشورهای گروه بریکس را در اختیار گیرد و در راستای تأمین هر چه بیشتر منافع ملی، گسترش و تعمیق روابط میان طرفین و دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی علمی و فناوری طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تا سال ۱۴۰۴ گام بردارد.

نکته‌ای که در اینجا لازم است خاطر نشان شود این است که چین و هند جزء بهترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شوند و توسعه روابط تجاری ایران با کشورهای مذکور به‌طور قطع زمینه‌ساز روابطی بهتر از حال با کشورهای هم‌گروه آنها یعنی برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی خواهد بود. علیرغم وجود منافع مشترک بالا بین ایران و روسیه در منطقه خزر و بیش از همه در زمینه استخراج و انتقال ذخایر هیدروکربنی، توسعه مسیرهای بین‌المللی حمل و نقل برای انتقال و ترانزیت بارهای دو کشور و نیز کشورهای خارجی در مسیر شمال- جنوب و حفظ و استفاده منطقی از ذخایر بیولوژیکی این دریا سطح تجارت بین دو کشور در حداقل خود قرار دارد و توسعه روابط با کشورهای گروه بریکس می‌تواند زمینه‌ساز همکاری متقابل روسیه و ایران در بخش نفت و گاز از جمله از طریق ایجاد مسیریابی برای انتقال مواد خام هیدروکربنی شده که نه تنها به لحاظ اقتصادی برای دو کشور سودمند است، بلکه موجب تحکیم سیاست خارجی کشور روسیه در جنوب آسیا، آسیای مرکزی، خاورمیانه و خاور نزدیک و در نهایت به تقویت امنیت اقتصادی این کشور در این منطقه منجر می‌گردد. در شرایط حاضر ایران نیز با عنایت به شرایط پیرامونی خود و شرایط بین‌المللی اهمیت زیادی برای توسعه روابط ایران و روس در سطح گفتگوهای بین‌دولتی در حوزه اقتصاد قائل است، بنابراین به‌منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب در ایجاد ارتباط با کشورهای مذکور مطالعات و پژوهش امری ضروری و اجتناب‌پذیر است.

منابع

- حسن پور، یوسف (۱۳۸۴)، *سنجش اکمال تجاری کشورهای عضو OIC*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- حسینی، میرعبداله و وحید بزرگی (۱۳۸۹)، "ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادرات کالایی ایران به کشور آفریقای جنوبی"، *ماهنامه بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۴۰.
- رحمانی، میترا، عسگری، منصور و محمدرضا عابدین (۱۳۸۵)، "دستاورد‌های تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا"، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۳۸، صص ۲۳۶-۲۱۳.
- شکیبایی، علیرضا و فاطمه کبری بطا (۱۳۸۸)، "همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی"، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۵۳.
- غلامی، علی (۱۳۸۵)، "تحلیل آثار آزادسازی تجاری ایران با کشورهای مسلمان (دلالت‌های مدل جاذبه)"، *فصلنامه اندیشه صادق*، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۲.
- مهدی پورتملی، فاطمه (۱۳۸۴)، "ارزیابی و تعیین ظرفیت‌های تجاری دو جانبه ایران با کشورهای عضو موافقتنامه تجارت ترجیحی سازمان کنفرانس اسلامی"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۶، صص ۱۳۹-۱۰۷.
- Balassa, B. (1986), "Intra-Industry Specialization: A Cross-Country Analysis", *European Economic Review*.
- German, Calfat & Renato Flores J. R. (2004), "The EU-Mercosul Free Trade Agreement: Quantifying Mutual Gains", Institute for Development Studies and Management.
- Jayati, Ghosh, Peter, Havlik, Marcos P. Ribiero & Waltraut Urban (2009), "Models of BRIC Economic Development and challenges for EU competitiveness", The Vienna Institute for International Economic Studies.
- Martin, Redrado & Hernan Lacunza (2005), "A New Approach to Trade Development in Latin America", Inter-American Development Bank.
- Mohim, Prof Sheihaki Tash, Dr Idris Bin Jajri & Mohammad Nabi Shahiki Tash (2012), "An Analysis of Bilateral Trade between Iran and D-8 Countries", Global Journals Inc (USA).
- Sarath Chandran, B. P. (2010), *Trade Complementarity and Ssimilarity between India and ASEAN Countries in the Context of the RTA*, Goa: Munich Personal RePEc Archive.
- Seung Jin Kim. (2013), "Trade Complementarity between South Korea and Her Major Trading Countries: Its Changes Over the Period of (2005-2009)", *World Review of Business Research*.
- Tereza De Castro (2010), *Trade Cooperation Indicators: Development of BRIC Bilateral Trade Flows*.

